تحلیل ساختار اجتماعی و دانش بومی ایل محمدی سلیمانی شهرستان جیرفت

حمید رضا سعیدی گراغانی[۱]، حسین ارزانی[*۲]، مهدی قربانی[۳] و نسیم جهانبخش گروهی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۰۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۹/۱۰

چکیده

دانش بومی در تعامل و هماهنگی بومیان (روستائیان، کوچنشینان، جنگل‌نشینان) با محیط پیرامون آنها بوجود می‌آید. از این رو بومیان از طریق همسو و هماهنگ کردن خود با محیط به کسب دانشی نائل می‌شوند که چون خاص محیط آنان است به نام دانش بومی نامیده می‌شود. در این پژوهش سعی شده است ضمن معرفی ساختار اجتماعی عشایر محمدی سلیمانی بخش اسفندقه شهرستان جیرفت به نقش دانش بومی، شناخت و بهره‌گیری از آن در بهبود وضعیت و شرایط اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران پرداخته شود. روش انجام این پژوهش کیفی است، در این روش ضمن انجام مصاحبه‌های عمیق و جمع‌آوری اطلاعات، سؤالات محوری در خصوص استفاده از مراتع تعیین شد. نتایج جمع‌بندی اظهارات مصاحبه شوندگان نشان می‌دهد. بهره‌برداران مراتع باتوجه به آمیزه‌های بومی می‌توانند تقسیم مکانی پراکنش دام، محل‌های تأمین آب شرب گله و مسیر حرکت گله را به خوبی پیش‌بینی و تعیین نمایند. آنها همچنین می‌توانند با چرای دام در شب، چرای تناوبی، مدت توقف دام، از تمام قسمت‌های یک محدودهٔ عرفی به‌صورت یکنواخت استفاده نمایند. براساس نتایج این تحقیق مشخص گردید که هر یک از افراد در ایل جایگاه خاصی داشته و وظایف خاصی را انجام می‌دهد. در امر مدیریت ایل، ایشوم و گله پنج نقش بزرگ طایفه، بزرگ تیره و سرایشوم، چوپان و رفیق تعریف شده است. آنها در سکونتگاه‌هایی زیست می‌کنند که ساخت خودشان بوده و از مصالح محلی ساخته شده که از آن جمله می‌توان به کپر، کوار و سیاه‌چادر اشاره کرد. از آنچه که گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که ساختار مدیریتی و دانش اکولوژیک بومی گله‌داران نقش مهمی در پایداری سرزمین ایفا می‌نماید و باتوجه به قدمت زیاد شبانی درکشور زنده نمودن بخش‌های از این دانش که امروزه مصداق‌های علمی آنها مشخص شده است، می‌تواند مبنایی برای توسعه و معیشت پایدار در مراتع باشد.

واژه‌های کلیدی: ساختار اجتماعی، دانش بومی، عشایر، اسفندقه.

۱- دانشجوی دکتری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.

۲- استاد دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.

*: نویسنده مسئول: harzani@ut.ac.ir

۳- استادیار دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران.

۴- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور بیرجند.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

مقدمه

دانش بومی را می‌توان دانش بکارگیری منابع، متناسب با شرایط بوم‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی دانست که بومیان در جهت رفع نیازهای خود از آن بهره می‌گیرند (۱۹). همچنین دانش بومی علمی است معطوف به تجربه و متناسب با زیست‌بوم که بخشی از نیازهای انسانی از طریق آن مرتفع می‌گردد. این علم ریشه در گذشته دارد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود (۹). نظام‌های دانش بومی مبنای تصمیم‌گیری‌ها در سطح محلی است زیرا ناشی از تلاش مردم محلی برای شناسایی مشکلات و یافتن راه‌حل‌ها به کمک نوآوری و آزمودن آنهاست (۱۴ و ۲۰). مردم محلی فن‌آوری‌های جدیدی را در سطح محلی ابداع می‌کنند و در راه اشاعه آنها از تشکل‌های ارتباطی بومی بهره می‌گیرند (۳ و۷). برای نیل به توسعه لازم است تا دانش عشایر متحول شود و همچنین به دیدگاه‌های بدیل که از دانش عشایر نشأت گرفته است توجه شود (۱۸). دانش بومی به‌عنوان مبنایی برای بنیان نهادن علومی موفق و کارا در راه دستیابی به توسعه مدنظر قرار گرفته است. لازمه محلی بودن توسعه، توجه به چنین دانشی است که خود این امر مقدمه توجه همه‌جانبه به توسعه است، زیرا دانش بومی ناشی از تجربیات بلاواسطه در طبیعت است و طی فرایند عمل کردن حاصل می‌شود. بنابراین خصوصیت خاص اجتماعی، فیزیکی و بوم شناختی هر منطقه و محل در دانش بومی لحاظ می‌شود و آنرا به منطقه خاص محدود می‌کند (۱۹).

فرناندز گیمنز و سوئیفت (۲۰۰۳) مهمترین راهبردهای مدیریت دام در آسیای مرکزی را حرکت یا جابجایی (کوچ) و تنوع دام در گله می‌دانند و اعتقاد به پایداری این سیستم‌ها و قابلیت آنها برای تلفیق با روش‌های مدیریت مراتع در جهان توسعه یافته دارند. پاپ‌زن و افشارزاده (۱۳۸۹) نیز در بررسی سازوکارهای بومی مدیریت مرتع عشایر کوچنده ایل کلهر بیان داشت که بهره‌برداران این منطقه اشراف کاملی بر مسائلی همچون تقسیم‌بندی مراتع بر حسب شیب زمین و واحد دامی، قطعه‌بندی مراتع و برخی راهکارهای بومی مدیریت مرتع نظیر کوچ و ارزیابی مرتع دارند. افشارزاده و پاپ‌زن (۱۳۹۰) با بررسی دانش بومی تغذیه دام کوچندگان ایل کلهر بیان داشتند که دامداران عشایر به‌منظور رسیدن به تولیدی مطلوب به تفاوت الگوهای تغذیه در مراحل مختلف فیزیولوژیک نظیر قبل از جفت‌گیری، آبستنی و شیردهی توجه لازم را معطوف داشته و به ارزیابی و مدیریت مرتع به مثابه اصلی‌ترین منبع تأمین خوراک دام در نظام کوچندگی اهمیتی شایان توجه می‌دهند. در مطالعه دیگری حیدری و سعیدی گراغانی (۱۳۹۰) با معرفی دانش بومی بهره‌برداران مراتع ییلاقی دماوند بخش لاریجان بیان داشتند بهره‌برداران مراتع به‌راحتی می‌توانند تقسیم مکانی پراکنش دام، تنظیم اندازه گله یا لنگه‌ها، محل‌های تأمین آب شرب گله، مسیر حرکت گله، بهترین نقاط چراگاه و استراحت گله را به‌خوبی مدیریت نمایند. همچنین سیدی (۱۳۹۱) با بررسی ارزیابی دانش و آگاهی مرتعداران پیرامون عملیات قرق در حفظ و احیای مراتع شهرستان بجنورد اعتقاد دارد که علیرغم پایین بودن سطح سواد جمعیت موردمطالعه، آنان از دانش و آگاهی نسبتاً بالایی در زمینه قرق برخوردار هستند. همچنین یوسفی و عبادی (۱۳۹۱) در بررسی شیوه مدیریت سنتی گله‌داری و دامداری در مناطق نیمه‌خشک ایران، به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های سنتی دامداری در منطقه با آداب و رسوم و عرف‌های زیاد می‌تواند یک شیوه همیاری و مشارکتی موفق در میان روستائیان در جهت مدیریت مراتع روستا و همچنین کاهش گله‌داری به‌صورت منفرد توسط دامداران به مراتع و تخریب آن بسیار تأثیرگذار خواهد بود و این شیوه‌های مدیریتی سنتی در سطوح محلی می‌تواند در حل مسائل اجتماعی- اقتصادی و مدیریتی برای مدیران ذیربط و همچنین جلوگیری از تخریب پوشش‌گیاهی و در نتیجه گسترش روند بیابانی شدن در منطقه، راهگشا و مؤثر باشد.

قربانی و همکاران (۲۰۱۳) نیز در مطالعه‌ای تحت عنوان تحلیل دانش اکولوژیک بومی در مدیریت پایدار منابع طبیعی در ایران نشان دادند استراتژی‌های مدیریت مرتع در طول یکسال و تخمین وضعیت مرتع بر اساس دانش بومی گله‌داران می‌باشد. آنها همچنین بیان نمودند دانش اکولوژیک بومی گله‌داران نقش مهمی در پایداری سرزمین ایفا می‌نماید. در مطالعه دیگری کاوانا و همکاران

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

(۲۰۰۵) در ارزیابی الگوهای چرایی بومی بهره‌برداران مناطق شرق تانزانیا نتیجه گرفتند دامداران به‌طور سنتی تفاوت انواع خاک و گونه‌های گیاهی غالب را در مناطق تحت چرا تشخیص می‌دهند و الگوهای چرا را در مراتع طوری تنظیم می‌کنند که دام‌ها در فصول سرد و بارانی در مناطق نزدیک و در فصول گرم و خشک در مناطق دورتر چرا کنند.

ایل محمدی سلیمانی یکی از بزرگترین ایلات استان کرمان بوده که در جنوب استان و در محدوده شهرستان جیرفت زندگی می‌کنند. بسیاری از آنها کوچرو هستند و دارای ییلاق و قشلاق می‌باشند. ییلاق این عشایر در مناطق سرگز، گرزنوئیه و بند ارزانی بوده و قشلاق آنها در مناطق کرجاز، چاشور، گدار تنگاری، کوه سفید و چلیتون واقع است. معروفیت این ایل در استان کرمان بیشتر بواسطه تولید و عرضه صنایع دستی منحصربه‌فرد (خصوصاً فرش گل سرخ) آنها است.

باتوجه به اینکه بخش اصلی نظام دانش هر کشور، دانش بومی آن است انجام پژوهش‌هایی در زمینه داشته‌ها و دانسته‌های جوامع محلی می‌تواند درک شرایط محلی را بهبود داده و زمینه مناسبی را برای انجام فعالیت‌های توسعه جوامع ایجاد نماید. از آنجا که دانش بومی برگرفته از زندگی افراد بومی و بخش مهمی از زندگی مردم فقیر می‌باشد، بکارگیری آن با حداقل امکانات و ابزار امکان‌پذیر است و بسیار راحت‌تر از فن‌آوری‌های مدرن وارداتی از کشورهای توسعه یافته توسط مردم پذیرفته شده و بکار گرفته می‌شود و می‌تواند اثر بیشتری در بهبود سطح زندگی عشایر کشور داشته باشد. بدین ترتیب اتخاذ سیاست‌های مالی و ایجاد فرصت‌های مناسب برای سازمان‌های غیر دولتی و جوامع مدنی و استفاده از فن‌آوری مدرن اطلاعاتی و ارتباطی می‌تواند با تسهیل تبادل دانش بومی باعث ماندگاری و دوام آن و از طرفی سهم‌بندی مزایای بکارگیری این دانش برای حصول اهداف توسعه پایدار در جوامع مختلف شود. بنابر آنچه ذکر شد هدف از این مطالعه بررسی ساختار اجتماعی و دانش بومی ایل محمدی سلیمانی بخش اسفندقه شهرستان جیرفت بود.

مواد و روش‌ها

منطقه موردمطالعه

دهستان اسفندقه با مساحتی بالغ بر ۳۴۷۲ کیلومتر مربع یکی از دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان جیرفت است. مرکز این دهستان روستای دولت‌آباد می‌باشد. مراتع عشایر این منطقه در فاصله ۳۰ کیلومتری غرب شهر جیرفت قرار دارند. این مراتع بین طول جغرافیایی ۵۶ درجه و ۵۴ دقیقه الی ۵۷ درجه و ۳۲ دقیقه و عرض ۲۷ درجه و ۱۷ دقیقه الی ۲۹ درجه و ۰۲ دقیقه واقع شده‌اند. این منطقه از شمال به دهستان ساردوئیه از شمال شرق به روستای دلفارد، از شرق به دهستان‌های هلیل، خاتون‌آباد و گنج‌آباد و از جنوب شرق به دهستان اسماعیلی و از جنوب به دهستان هور و از غرب به دهستان دشتاب شهرستان بافت متصل است. اقلیم مراتع ییلاقی منطقه با متوسط بارندگی ۲۹۶ میلی متر، سرد و خشک و مراتع قشلاقی با میانگین بارندگی ۲۳۰ میلی‌متر، آب و هوایی گرم و خشک دارد (۱۳).

روش انجام پژوهش

در بخش زمینه‌ای این تحقیق آمار و اطلاعات مورد نیاز از مقالات علمی و پژوهشی و کارشناسان اداره امور عشایری شهرستان جیرفت و اداره کل منابع طبیعی جنوب استان کرمان جمع‌آوری شد. تحقیق در زمینه دانش بومی به‌دلیل کیفی بودن موضوع، غالباً از نوع اکتشافی است. در این پژوهش مشارکتی از تکنیک‌های گروه‌های متمرکز و روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در نمونه‌گیری‌های هدفمند، اصولاً هدف انتخاب مواردیست که باتوجه به موضوع تحقیق اطلاعات زیادی داشته باشند (۱۵ و ۱۶). جامعه آماری این تحقیق را عشایر کوچنده ایل محمدی سلیمانی که زیست‌بوم آنها در منطقه اسفندقه شهرستان جیرفت است تشکیل داده‌اند. در این پروژه با نمونه‌گیری هدفمند ضمن فیش‌برداری، دسته‌بندی و مشاهده حضوری از ۴۸ نفر از خبرگان و افراد آگاه عشایر محمدی سلیمانی منطقه اسفندقه (این افراد توسط اداره امور عشایری شهرستان جیرفت و اداره کل منابع طبیعی جنوب استان کرمان معرفی شدند به‌صورت فردی (از ۱۸ نفر) یا گروهی (۲

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

الی ۵ نفره) مصاحبه به‌عمل آمده است. مصاحبه و پرسش‌ها در این پژوهش مشارکتی تا جایی ادامه یافت که پاسخ‌های تکراری برای محقق اثبات شد و ادامه مصاحبه‌ها نکته‌ای جدیدی به یاداشت‌ها اضافه نمی‌نمود. این کیفیت در اثر تکرار پاسخ‌های مشابه از طرف مصاحبه شوندگان مختلف برای محقق محرز می‌گردد (۲). در هر کدام از این مصاحبه‌های انفرادی و گروهی، برای پرهیز از خستگی افراد، بیش از یک تا دو ساعت به‌طول نمی‌انجامید. یاداشت‌ها به روش تحلیل محتوا مقوله‌بندی شد و سپس نتایج آن تدوین شد. خبرگان و افراد آگاه از ۱۱ سامان عرفی (ایشوم) در منطقه موردمطالعه انتخاب شدند. این افراد همگی از ایل محمدی سلیمانی بودند. زمان اجرای پروژه فصل بهار و مکان آن مراتع ییلاقی و قشلاقی منطقه اسفندقه شهرستان جیرفت بود. در این تحقیق ساختار اجتماعی و جنبه‌های مختلف دانش بومی عشایر ازجمله حافظه اکولوژیکی بهره‌برداران، قطعه‌بندی مرتع، استراتژی‌های بومی و سازگار مدیریت مرتع، حفاظت گله و تنوع ترکیب گله، شیوه بهره‌برداری از مراتع، چرا و تغذیه دام در حالت‌های مختلف فیزیولوژیک مورد بررسی قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد. به این معنا که بعد از مطالعهٔ کلی مباحث مطروحه، بحث در حیطه‌های مختلف مقوله‌بندی شده و داده‌های مربوط به آن در همان حیطه قرار گرفت.

نتایج

طبقه‌بندی پاسخگویان بر حسب سن، سواد و سابقه گله‌داری

همانطور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، حدود ۱۶/۷ درصد بهره‌برداران کمتر از ۳۰ سال سن، ۳۳/۳ درصد ۳۰ تا ۴۵ سال سن، ۳۱/۳ درصد بین ۴۶ تا ۶۰ سال قرار دارند و تنها ۱۸/۸ درصد بهره‌برداران منطقه در طبقه سنی بالاتر از ۶۵ سال قرار داشتند. همچنین نتایج حاصل از این پژوهش نشـان می‌دهد ۲۲/۹ درصد بهره‌برداران بی‌سـواد بـوده امـا حدود ۷۷ درصد بهره‌برداران دارای تحصیلات در مقاطع ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و یا مقاطع بالاتر هستند که از این بین ۳۳/۳ درصد بهره‌برداران تحصیلات دیپلم و یا بالاتر دارند که این نتایج بیانگر سطح سواد و معلومات بالای پاسخگویان است. در زمینهٔ سابقهٔ بهره‌برداری نیز ۲۰/۸ درصد بهره‌برداران کمتر از ۱۵ سال سابقه، ۲۹/۲ درصد آنها بین ۱۵ تا ۳۰ سال سابقه، ۳۱/۳ درصد نیز بین ۳۱ تا ۴۵ سال سابقه بهره‌برداری و حدود ۱۸/۸ درصد آنها بیشتر از ۴۵ سال سابقه بهره‌برداری از مرتع داشتند (جدول ۱).

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب گروه‌های سنی، سواد و سابقه گله‌داری

متغیرها	طبقه‌بندی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
سن	کمتر از ۳۰ سال	۸	۱۶/۷	۱۶/۷
	۳۰- ۴۵	۱۶	۳۳/۳۳	۴۹/۹۹
	۴۶-۶۰	۱۵	۳۱/۲۵	۸۱/۲۴
	بیشتر از ۶۰ سال	۹	۱۸/۷۶	۱۰۰
سواد	بی‌سواد	۱۱	۲۲/۹۱	۲۲/۹۱
	ابتدایی	۱۲	۲۵	۴۷/۹۱
	راهنمایی یا متوسطه	۹	۱۸/۷۶	۶۶/۶۷
	دیپلم یا بالاتر	۱۶	۳۳/۳۳	۱۰۰
سابقه گله‌داری	کمتر از ۱۵ سال	۱۰	۲۰/۸۳	۲۰/۸۳
	۱۵-۳۰	۱۴	۲۹/۱۶	۴۹/۹۹
	۳۱-۴۵	۱۵	۳۱/۲۵	۸۱/۲۴
	بیشتر از ۴۵ سال	۹	۱۸/۷۶	۱۰۰

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

با توجه به نتایج جمع‌بندی اظهارات مصاحبه شوندگان با بیشترین فراوانی و تکرار و مطالعه منابع می‌توان دانش بومی بهره‌برداران مراتع را در منطقهٔ موردمطالعه به دسته‌های مختلفی تقسیم نمود که هر یک از آنها به‌عنوان یک الگوی اکولوژیکی در نظام سنتی ایران از جنبه‌های فرهنگی- اجتماعی خاصی برخوردار هستند. این موارد از گذشته‌های دور تا به امروز در بین دامداران با تجربه و دارای آگاهی بالا به‌صورت یک فرهنگ عمومی و قابل احترام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. که در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌شود.

ساختار اجتماعی

هرم قدرت و تقسیم وظایف

بزرگ طایفه، بزرگ تیره و سرایشوم: هر ایشوم (سامان عرفی) بزرگتری دارد به نام «سرایشوم» که ایشوم به نام او خوانده می‌شود: مانند ایشوم امیدعلی محمدی سلیمانی. وظایف سرایشوم عبارت است از انتخاب قلمرو، تعیین زمان حرکت و زمان‌بندی چرا، اجاره مرتع و پس‌چر زراعت (سیفال) و حفاظت از حدود مراتع ایشوم، اخذ پروانه چرا و معاملات و عقد قرارداد. سرایشوم‌ها به‌وسیله ریش‌سفید تیره (بزرگ تیره) انتخاب و یکی از ریش‌سفیدان و بزرگان تیره‌ها به سمت ریش‌سفید طایفه (بزرگ طایفه) برگزیده شود. عوامل مؤثر در انتخاب بزرگ تیره و بزرگ طایفه عبارتند از: قدرت شبکه خانوادگی، قدرت رهبری، خبرگی، قدرت اقتصادی، ارتباطات خارجی، اقوام پدری، اقوام مادری، اقوام همسر و قدرت زن.

چوپان و رفیق چوپان: هر ایشوم غیر از سر ایشوم دارای تعدادی چوپان و رفیق چوپان نیز می‌باشد. وظایف چوپان عبارتند از بردن دام به مرتع، محافظت از گله، جلوگیری از اختلاط دام‌های ایشوم با دام سایر گله‌داران می‌باشد. رفیق نیز وظیفه دارد که چوپان را در چرا و مدیریت گله دام کمک و همراهی دهد. معمولاً در هر گله (بین ۱۵۰ تا ۳۵۰ رأس دام) سامان‌های عرفی (ایشوم)، یک چوپان و یک رفیق چوپان حضور دارند. ذکر این نکته نیز ضروری است که چوپان فرد با تجربه‌تری نسبت به رفیق می‌باشد به همین دلیل مدیریت گله بر عهده اوست. همچنین این مطلب نیز باید گفته شود که هم چوپان و هم رفیق خود نیز تعدادی دام در گله‌ای که به چرا می‌برند دارند و بر همین اساس نیز تعداد روزهایی که در یک ماه باید شبانی کنند طی تقویمی که از سوی سرایشوم تهیه می‌شود مشخص می‌گردد.



شکل ۱- نهاد اجتماعی عشایر محمدی سلیمانی

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

شیوه بهره‌برداری از مراتع (نوع حقوق عرفی)

شیوه بهره‌برداری بر طبق حقوق عرفی در منطقه بصورت مشاعی و مشاعی مفروز است. در بهره‌برداری مشاعی پروانه چرا هر سامان عرفی به صورت مشاع به نام مرتعداران ذیحق آن سامان صادر می‌گردد و بهره‌برداران براساس سیاهه لیست پروانه مرتعداری از مراتع بهره‌برداری می‌نمایند. این شیوه بهره‌برداری گروهی را مشاعی غیرمفروز یعنی بهره‌برداران بدون تفکیک سامان‌های عرفی به همان شیوه عرف از مراتع خود به‌صورت گروهی استفاده می‌نمایند. در این نوع شیوه بهره‌برداری ممکن است چند سامان عرفی در منطقه دارای مراتع مشترکی بوده که بر اساس ضوابط خاصی از آن استفاده می‌کنند. اما در مشاعی مفروز بهره‌برداران بعضی از سامان‌های عرفی بصورت عرف براساس سهم دام و مرتع افراد حدود بهره‌برداری را تفکیک می‌نمایند و به آن پایبند هستند.

قسمت‌های مختلف یک ایشوم (سامان عرفی)

به هر سامان عرفی در زبان محلی در منطقه اسفندقه، ایشوم گفته می‌شود. ایشوم قسمتی از یک مرتع می‌باشد که به‌تنهایی یا به‌صورت ترکیبی از بهره‌برداران اداره شده و در واقع محل سکونت اعضای خانواده و دام در طول دوره کوچ (چه در مناطق ییلاقی چه در منطقه قشلاقی) می‌باشد و عمدتاً مرزهای آن از سوی ایشوم‌های مجاور به رسمیت شناخته می‌شود. ایشوم همچنین یک واحد اجتماعی، اقتصادی و اصلی‌ترین گروه خویشاوندی در هر گروه ایلی به‌شمار می‌رود. اعضای ایشوم گله مشترک دارند و بسته به قدرت و منزلت اجتماعی و اقتصادی، صاحب تعدادی دام در گله یا گله‌های ایشوم هستند.

کپر: خانه‌های موقت عشایری که به‌وسیله گل و سنگ و چوب در داخل یک ایشوم ساخته می‌شوند. معمولاً این خانه‌ها هر ساله بازسازی شده و مجدداً مورد استفاده قرار می‌گیرند. کپرها به‌وسیله خود عشایر ساخته می‌شوند و در ساخت آنها از مصالح محلی مخصوص به آن منطقه استفاده می‌کنند.

کوار (کاوار): به خانه‌های ساخته شده از چوب و کرته (گونه‌ای از جنس نی) گفته می‌شوند که معمولاً در مناطق قشلاقی از آنها استفاده می‌شود و به‌صورت موقتی بوده و هر ساله امکان بازسازی آن وجود دارد. در ضمن این نکته را نیز باید ذکر کرد که از کوار علاوه‌براینکه به‌عنوان محلی برای زندگی استفاده می‌شود کاربردهای دیگری نظیر انبار مواد لبنی نیز دارد.

سیاه‌چادر: در ایلات شهرستان جیرفت طراحی نیاکان ایل منجر به تولید سکونتگاهی با قابلیت حمل شده که به‌عنوان یک معماری بومی پذیرفته و نقل و برپایی و برچیدن آن بسیار راحت است. سیاه‌چادر به شکلی هوشمندانه طراحی شده که استفادهٔ کامل از ظرفیت‌های موجود در محیط را به‌همراه دارد و توسط زنان عشایر بافته شده و بوسیله مردان برپا می‌شود.

مره: معمولاً محل استقرار هر ایشوم را به‌وسیله سنگ‌چینی مشخص می‌کنند. در واقع می‌توان گفت برای نشان دادن محوطه هر ایشوم آن را در اصطلاح محلی مره می‌کشند. که این کار به‌وسیله سنگ چیدن یا نشانه‌های خاص انجام می‌شود و هدف آن هشدار و جلوگیری از تجاوز سایر بهره‌برداران به حریم خصوصی یک ایشوم می‌باشد.

کورم: کورم محل نگهداری گوسفندان تازه متولد شده از دو تا سه ماهگی آنها می‌باشد. کورم‌ها معمولاً از گل و چوب (گلی- چوبی) یا شاخه‌های درختان (چوبی) توسط افراد بومی در سامان عرفیشان ساخته می‌شود. این محل همانطور که گفته شد محل نگهداری دام با سن کمتر از سه ماه بوده و تا زمانی‌که دام‌ها آمادگی برای چرا پیدا کند از آنها در این محل نگهداری می‌شود.

کهله یا گاش: کهله یا همان آغل به محل نگهداری دام‌ها گفته می‌شود که معمولاً در منطقه اسفندقه به دو صورت سنگی- گلی و سنگی چوبی به‌وسیله افراد محلی ساخته می‌شوند.

پرچ: به محل دوشیدن گوسفندان در زبان محلی پرچ گفته می‌شود. پرچ محوطه‌ای می‌باشد که اطراف آن را با سنگ و چوب محصور کرده‌اند. شیردوشی به‌وسیله زنان عشایر انجام می‌شود.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

آبشخور: آبشخور به محل شرب آب دام‌ها گفته می‌شود که در منطقه موردنظر به صورت فلزی یا سیمانی ساخته شده است.

تنوع ترکیب گله

در منطقه مورد مطالعه باتوجه به مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان عشایر آنان بیان می‌داشتند که نزدیک به ۸۰ درصد دام منطقه را بزها تشکیل می‌دهند و تنها حدود ۲۰ درصد گله دام اختصاص به گوسفندان دارد آنها در ذکر دلایل این امر بیان نمودند که پرورش بز به‌خاطر بالا بودن دوقلوزایی، مقاومت به بیماری و مشکلات کمتر در تأمین علوفه و جایگاه نگهداری از اهمیت اقتصادی بالایی برخوردار است. همچنین به‌دلیل شرایط سخت منطقه از لحاظ توپوگرافی (کوهستانی و صخره‌ای در مناطق ییلاقی)، اقلیم، حضور گونه‌های بوته‌ای و خشبی و علوفه محدود با خوشخوراکی کم، در منطقه بزها مقاومت قابل‌توجهی از خود نشان می‌دهند و نسبت به دیگر نشخوارکنندگان رجحان و برتری ویژه‌ای دارند. آن‌ها معتقدند که در بین دام‌ها بز بیشتر متکی به مراتع منطقه بوده و در مقایسه با گوسفند هزینه کمتری برای نگهداری دارد.

انواع گله‌های دام

عشایر منطقه موردمطالعه دام خود را به سه گروه گله با ترکیب مختلف بر اساس سن، جنس و آبستنی تقسیم کرده و هر کدام را به‌صورت جداگانه به مرتع برده و چرا می‌دهند. در زیر به تفکیک در مورد انواع گله‌های دام در مراتع منطقه توضیح داده خواهد شد.

گله استاق: گله استاق گوسفندان و بزهای نر، ماده‌های نزاییده، گوسفندان با سن یکسال به بالا و اخته‌ها را شامل می‌شود. این گله در مناطق دور از ایشوم چرا داده می‌شوند و معمولاً شب در مراتع می‌مانند و به آغل بر نمی‌گردند. گله استاق ممکن است تا ۱۵ کیلومتر هم از ایشوم دور شود و به چرا بپردازد. همراه هر گله معمولاً یک چوپان و یک رفیق حضور دارند.

گله زاییده: گله زاییده بزها و گوسفندان آبستن یا زاییده را شامل می‌شود. این گله از حدود ۱۵ آبان هر سال از گله استاق جدا شده و به‌صورت جداگانه تا اول تیر ماه چرا می‌شوند. معولاً دام‌ها در آذر می‌زایند که به این موقع از سال در اصطلاح محلی ماه قوس می‌گویند. این گله نیز مانند گله استاق توسط دو نفر شامل چوپان و رفیق به مرتع برده می‌شود اما شب باید حتماً به ایشوم برای دوشیدن و مراقبت بیشتر برگردانده شوند. اما این گله نیز وارد آغل نمی‌شود و در یک محل مخصوص بدون حصار نگهداشته می‌شوند.

معمولاً بردن گله استاق و زاییده به‌صورت دوره‌ای بین کسانی که دامشان در گله (به‌عنوان چوپان و رفیق) می‌باشد با قرعه و بر اساس تعداد دام در یک ماه تقسیم می‌شود. نمونه‌ای از تقویم چرایی گله‌های استاق و زاییده در جدول (۲) آورده شده است.

گله کمر: معمولاً این گله در داخل ایشوم و یا اطراف آن به چرا می‌پردازد. سگ گله کار مراقبت از این گله را بر عهده دارد. در شب این گله وارد کورم یا کهله (آغل) می‌شود.

جدول ۲- نمونه‌ای از تقویم چرایی گله‌های استاق و زاییده

گروه	نام	نقش	مجموع تعداد دام گروه	گردش اول گله استاق ۱ تا ۱۳ ماه	گردش دوم گله استاق ۱۴-۲۳ ماه	گردش سوم گله استاق ۲۴ تا ۳۰ ماه	گردش اول گله زاییده ۱ تا ۷ ماه	گردش دوم گله زاییده ۸ تا ۲۰ ماه	گردش سوم گله زاییده ۲۱ تا ۳۰ ماه
۱	عباس م.س	چوپان	۲۶۰	۱۳ روز یک ماه	–	–	–	۱۳ روز یک ماه	–
	علی م.س	رفیق							
۲	مراد م.س	چوپان	۱۴۰	–	–	۷ روز یک ماه	۷ روز یک ماه	–	–
	رضا م.س	رفیق							
۳	محمد م.س	چوپان	۲۰۰	–	۱۰ روز یک ماه	–	–	–	۱۰ روز یک ماه
	اکبر م.س	رفیق							
مجموع			۶۰۰	۱۳ روز	۱۰ روز	۷ روز	۷ روز	۱۳ روز	۱۰ روز

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

قطعه‌بندی مرتع و تأثیر نوع مدیریت سنتی بر وضعیت، تولید و گرایش مراتع ییلاقی و قشلاقی

عشایر منطقه از دو سیستم چرایی باز و بسته برای تعلیف دام‌های خود استفاده می‌کنند. معمولاً در اواخر زمستان و در فصل بهار که علوفه به‌وفور در مراتع دیده می‌شود بدون قطعه‌بندی از مراتع استفاده می‌شود. اما در فصل تابستان و زمستان که علوفه مرغوب و با کیفیت به‌شدت کاهش می‌یابد و وضعیت مراتع کاهش یافته و تولید علوفه کم می‌شود مراتع را به‌صورت دوره‌ای (سیستم چرایی تناوبی) و باتوجه به تقسیم‌بندی که از قبل توسط سرایشوم انجام می‌شود چرا می‌کنند. تقسیم‌بندی مراتع یا به‌صورت طبیعی بر اساس یال آبراهه که به آن تل گفته می‌شود و یا بر اساس اسم یک منطقه خاص با نام مشخص مثلاً کوه سیاه انجام می‌شود. در برخی موارد با سنگ چین محدوده چرایی را مشخص می‌کنند که به آن مره گفته می‌شود. در این شیوه بهره‌برداری قطعه‌بندی مراتع بر اساس میزان تولید علوفه مرتع، نوع پوشش گیاهی، وسعت و شیب منطقه انجام می‌شود.

در مراتع ییلاقی اسفندقه نتایج تحقیقات کارشناسان منابع طبیعی همچنین بازدید میدانی اینجانب و همکاران نشان می‌دهد وضعیت، تولید مرتع و گرایش آن در اکثر قسمت‌ها خوب و مثبت می‌باشد که این وضعیت از یک طرف به تعداد دام کمتر از ظرفیت چرای مرتع و از طرفی دیگر به شیوه‌های مدیریتی صحیح آن بستگی دارد. در واقع این وضعیت را می‌توان نتیجه شرایط آب و هوایی مناسب، دانش اکولوژیکی بومی گله‌داران، پایبند بودن به قوانین عرفی، مشارکت متقابل گله‌داران دانست. درواقع براساس اصول علمی مرتعداری، شیوه حاضر از سیستم چرای تناوبی پیروی می‌نماید. این شیوه بهره‌برداری کاملاً منطبق بر دوره رویشی گیاهان است.

این در حالی است که مراتع قشلاقی اسفندقه وضعیت متوسط، تولید علوفه کم ولی گرایش مثبت داشته‌اند. از جمله علایم نشان‌دهنده گرایش مثبت در منطقه می‌توان به در حال توسعه بودن گیاهان خوشخوراک و با ارزش رجحانی بالا و جایگزینی با گیاهان کم‌ارزش اشاره کرد. همچنین از دیگر علایم گرایش مثبت می‌توان به پراکنش مناسب پوشش لاشبرگ و عدم ملاحظه فرسایش تشدیدشونده در منطقه اشاره کرد. دلیل این موضوع را از یکی از تحصیل‌کرده‌های مرتعداری عشایر منطقه جویا شدیم که او در پاسخ گفت که به‌دلیل اسکان عشایر و مهاجرت تعدادی از گله‌داران تعداد دام موجود در منطقه قشلاقی سال به سال کمتر شده ولی از جهتی به‌دلیل آثار خشکسالی‌های دو دهه گذشته هنوز وضعیت و تولید علوفه به شرایط عادی و نرمال خود باز نگشته است.

چرا و تغذیه دام در حالت‌های مختلف فیزیولوژیک

در نظام دامداری سنتی، تغذیه دام به‌طور عمده از طریق بهره‌برداری از مرتع انجام می‌گیرد. از همین‌رو دامداران عشایر دارای تجربه و تخصص چگونگی بهره‌برداری مرتع هستند. عشایر محمدی سلیمانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند آنان از شیوه‌هایی زیر به‌منظور مدیریت چرا و تغذیه دام استفاده می‌کنند:

زمان قوچ‌گذاری (فحلی): تغذیه در این دورهٔ زمانی از نظر دامداران فوق‌العاده مهم است، چرا که تغذیهٔ مناسب باعث هماهنگ شدن فحلی، هماهنگ شدن زایش‌ها و افزایش دوقلوزایی خواهد شد. به همین دلایل حدود یک ماه قبل از جفت‌گیری، دام تحت رژیم غذایی به شرح زیر قرار می‌گیرد.

در این زمان باید دام را دور از استرس نگه داشت و فاصله مکانی بین آب و محل تعلیف دام کم باشد. روش چرانیدن دام در این شرایط به شرح زیر می‌باشد؛ بعد از ظهر گوسفندان را برای چرا علوفه به مرتع می‌برند. این کار تا ساعت ۸-۹ شب ادامه می‌یابد سپس تا ساعت ۱۲ شب به گله استراحت داده می‌شود. پس از این مدت دوباره دام به مدت ۴ ساعت به چرا مشغول می‌شود. سپس گله استراحت داده شده و چرای بعدی به تشخیص چوپان و باتوجه به شرایط گله چند ساعت بعد انجام

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

می‌شود. این روش چراندن در طول یک شبانه‌روز است که برای هر روز تا پایان قوچ‌گذاری تکرار می‌شود.

زمان آبستنی (حاملگی): تغذیه در این دوره به دو بخش تقسیم می‌شود؛ در سه ماه آغازین، تغذیه دام در این ماه‌ها چندان تفاوتی با جیره نگهداری ندارد. در دو ماه پایانی، دام‌های آبستن عصرها یکی دو ساعت زودتر از سایر گله بازگردانده شده و با کاه و جو تعلیف می‌شوند. در صورت عدم آمادگی مرتع برای چرا، برای مثال، در هنگام بارش‌ها، صبح نیز با کاه و جو به‌صورت سبک تغذیه می‌شوند.

زمان شیردهی: در زمان شیردهی، دام‌ها به‌شدت تغذیه می‌شوند. در این حالت برای بدست آوردن شیر بیشتر، ظهرها بره‌ها را تا صبح روز بعد از مادرشان جدا می‌کنند. روش چرا مانند زمان قوچ‌گذاری است با این تفاوت که آخرین مرحله استراحت کمتر بوده و دام ماده در این مرحله توسط چوپان به سمت محل دوشیدن هدایت می‌شود.

حافظه اکولوژیک عشایر

انواع روش‌های شناسایی دام: ۱- رنگ کردن: قسمتی از بدن دام را با رنگ مخصوصی به نام گلک که از یک گل قرمز رنگ بدست می‌آید برای شناسایی دام‌ها رنگ می‌کنند. این رنگ به‌دلیل طبیعی بودن هیچگونه عوارضی برای دام نداشته و حدود یکسال دوام دارد.

۲- دروش کردن: بریدن گوش دام با تیغ یا چاقو را برای شناسایی دام هر شخص دروش کردن می‌نامند.

۳- داغ کردن: روش دیگر نشانه‌گذاری دام‌ها برای شناسایی هر چه بهتر داغ کردن روی بینی دام بوسیله میله و یا سیم گداخته می‌باشد.

۴- شناسایی طبیعی: معمولاً اکثر گله‌داران منطقه دام خود را از روی رنگ دام و شکل گوش می‌توانند تشخیص دهند. تقسیم‌بندی دام‌ها بر اساس رنگ و شکل گوش در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۳- تقسیم‌بندی و شناسایی دام بر حسب رنگ و شکل گوش

رنگ	شکل گوش	اصطلاح محلی
بدن قهوه‌ای و صورت سفید	-	مور کمبر
بدن سفید و صورت قهوه‌ای	-	مور سرخ
بدن کاملاً زرد	-	گیش زرد
بدن کاملاً سیاه	گوش کوچک	مور سیاه
بدن کاملاً سیاه	گوش بزرگ	رش سیاه
بدن کاملاً سفید	گوش کوچک	مور گازر
بدن کاملاً سفید	گوش بزرگ و پهن	رش گازر

عشایر به‌ندرت در این منطقه در تشخیص دام‌هایشان اشتباه می‌کنند اما به‌دلیل جلوگیری از سوءتفاهم و یا نزاع هر شخص موظف است برای دام‌های خود علامت خاصی داشته باشد. به گفته یکی از اهالی منطقه حتی زنان و فرزندان عشایر محمدی سلیمانی دارای حافظه اکولوژیک قوی بوده و توان تشخیص سریع دام‌های خانواده را دارند.

طبقه‌بندی و نامگذاری انواع دام بر اساس سن و جنس

یکی از روش‌های تشخیص دام‌ها، طبقه‌بندی دام‌ها بر اساس جنسیت و سن آنها است. ترکیب گله عشایر محمدی سلیمانی از گوسفند و بز تشکیل شده است اما تعدادی از عشایر به‌تازگی رو به پرورش گاو نیز آورده‌اند و تعدادی گاو نیز دارند. در مجموع گله‌داران منطقه دام‌ها را به دو دسته کلی نر و ماده تقسیم نموده و در هر طبقه سنی یک اسم خاصی را برای انواع مختلف دام در نظر می‌گیرند. این اسامی و اصطلاحات نشان‌دهنده اشراف بر نیازهای متفاوت دام در مراحل مختلف فیزیولوژیکی در مدیریت مرتع و دام است. در جدول (۴) به تفکیک

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

اصطلاحات و نام‌های محلی بزها، گوسفندان و گاوها بر اساس طبقات سنی و جنسی آنها بیان شده است.

جدول ۴- نامگذاری و طبقه‌بندی بومی انواع دام بر حسب سن و جنس

بز			گوسفند			گاو		
سن	جنس	اصطلاح محلی	سن	جنس	اصطلاح محلی	سن	جنس	اصطلاح محلی
از تولد تا سه ماهگی	نر/ماده	کمر	از تولد تا سه ماهگی	نر/ماده	کمر	از تولد تا شش ماهگی	نر/ماده	پارک
از سه ماهگی تا یک سالگی	نر/ماده	کهره	از سه تا شش ماهگی	نر/ماده	بره	از شش ماهگی تا دو سالگی	ماده	گستر
یک سالگی تا دو سالگی	ماده	کودار	از شش ماهگی تا یک سالگی	نر/ماده	شیشک	از شش ماهگی تا دو سالگی	نر	جلب
یک سالگی تا دو سالگی	نر	چپش	از یک سالگی تا دو سالگی	ماده	میش	از دو سالگی به بالا	ماده	گاو
دو سالگی تا سه سالگی	ماده	گیسه	از یک سالگی تا دو سالگی	نر	غوچ	از دو سالگی تا چهار سالگی	نر	نر گاو
دو سالگی تا سه سالگی	نر	نوکن (نری)	از دو سالگی تا شش سالگی	نر/ماده	دو بر- شش بر	از چهار سالگی به بالا	نر	گاو کار
سه ساله تا شش سالگی	ماده	توشتیر	از شش سال به بالا	ماده	پیره میش			
سه ساله تا شش سالگی	نر	شیرکن	از شش سال به بالا	نر	پیره غوچ			
از شش سال به بالا	ماده	پیره بز						
از شش سال به بالا	نر	نری پیر						

دانش بومی در حفاظت گله

۱- استفاده از زنگوله: در گله‌های مختلف استفاده از زنگوله مرسوم بوده و معمولاً به چند دلیل از این وسیله استفاده می‌شود. که در زیر به تعدادی از استفاده‌های آن اشاره می‌شود.

۱- برای پیدا کردن محل چرای کل‌های بزرگ که تحرک زیادی داشته و در اصطلاح محلی به آنها نری‌های یاغ گفته می‌شود.

۲- برای آگاه کردن چوپان از حمله گرگ یا حیوانات وحشی: معمولاً در بهار و تابستان که گله به مراتع با فاصله از ایشوم توسط چوپانان برده می‌شود و به‌ناچار شب مجبور به ماندن در منطقه می‌باشند در این حالت که به آن دست هوشاد گفته می‌شود به تعدادی از کل‌ها و بزها که سن بیشتر از دو سال دارند زنگوله بسته که در صورت حمله حیوانات وحشی از جمله گرگ چوپانان را با رمیدن (فرار کردن و ایجاد صدا) از حضور حیوانات وحشی آگاه سازند.

۳- در برخی از موارد زنگوله را به گردن کل‌ها و بزهای بزرگ (سن بیش از سه سال) می‌بندند که باعث تحرک بیشتر دام‌های کوچکتر شده و به اصطلاح این دام‌ها را رئیس گله می‌نامند.

استفاده از سگ گله: سگ‌ها از حیواناتی هستند که از قدیم‌الایام با انسان خو گرفته و اهلی شده‌اند و در کار نگهبانی از گله و احشام همواره در کمک دامداران بوده‌اند و عشایر منطقه اسفندقه جیرفت هم همیشه چند قلاده سگ در کنار دام‌هایشان نگه می‌دارند. معمولاً به ازای هر ۱۰۰ رأس دام عشایر منطقه از ۳ تا ۵ قلاده سگ استفاده می‌کنند. این سگ‌ها در اطراف گله جایی را برای نظارت انتخاب می‌کنند و به ظاهر اکثراً در حال استراحت هستند ولی در صورت خطر بسیار سریع دخالت می‌کنند و خود را بین جانوران درنده و گله دام قرار می‌دهند و در صورت ادامه حضور جانوران مهاجم با آن‌ها درگیر می‌شوند.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

برخی از فعالیت‌های مدیریتی و اقتصادی عشایر

نری‌ریزی (فصل آبستن): در اوایل تیرماه گله‌های استاق و زاییده با هم یکی شده و فصل جفت‌گیری و آبستنی شروع می‌شود به این موقع از سال در اصطلاح محلی نودم گفته می‌شود که معنای آن این است که نود روز از نوروز گذشته است. دام‌های ماده معمولاً در ماه قوس (آذر ماه) یک یا دو قلو می‌زایند. چندقلوزایی در منطقه کمتر مشاهده شده است. به گوسفندان و بزهایی که سر تاریخ هر ساله در آذر ماه می‌زایند قوسی گفته می‌شود و به دام‌هایی که در خارج از فصل زایش می‌زایند کموری گفته می‌شود.

بخته کردن (اخته): به بزهای بخته شیرکن گفته می‌شود. بخته کردن از سن هشت ماهگی به بعد انجام می‌شود. بخته کردن انواع مختلفی دارد که در زیر به آن اشاره می‌شود.

۱- روش سنتی که با تیغ انجام می‌شود. ۲- روش صنعتی که با قیچی انجام می‌شود.

دلیل بخته کردن نرهای جوان شور کردن آنها است. یعنی نرها پس از هشت ماهگی در صورتی که جفت‌گیری نکنند ادرار خود را می‌خورند و گوشت آنها بوی ماک (ادرار) می‌گیرد. معمولاً تمام دام‌های جوان گوشتی که برای فروش در نظر گرفته شده‌اند در دو فصل تابستان یا زمستان بخته می‌شوند.

پشم و کرک‌چینی: عشایر منطقه معمولاً در اوایل بهار هنگامی که هوا رو به گرمی می‌رود طی مراسمی با وسیله به نام دو کارد توسط افراد خبره پشم گوسفندان و کرک و مو بزها را می‌چینند. پس از چیدن پشم، کرک و مو و شستن در آب گرم و خشک کردن، از آنها در صنایع دستی استفاده کرده و یا در بازارهای محلی می‌فروشند.

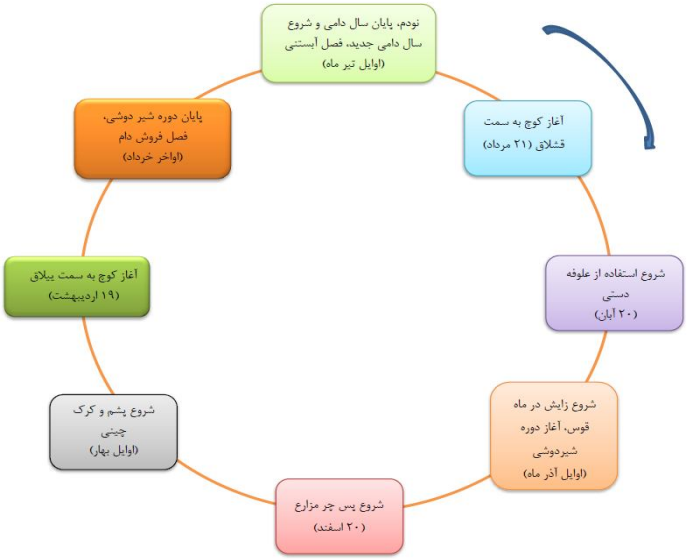
فروش دام: هر ساله در اواخر خرداد یا اوایل تیرماه قبل از نودم که پایان سال دامی و شروع سال دامی جدید می‌باشد عشایر تمام گله‌ها را در ایشوم خود جمع کرده و هر شخص موظف است دام فروشی خود را تا ۵ تیر از گله‌ها جدا کرده و به فروش برساند. دام فروشی را عشایر منطقه به سه دسته تقسیم می‌کنند که شامل بز و گوسفندان نر پیر، بز و گوسفند ماده پیر و بز و گوسفندان جوان گوشتی می‌باشد.

چرخه مدیریت سالانه دام عشایر

شکل شماره (۲) خلاصه‌ای از چرخه مدیریت عشایر محمدی سلیمانی را در منطقه اسفندقه شهرستان جیرفت نشان می‌دهد. این چرخه مدیریتی را می‌توان تقویم سالانه عشایر نیز نام‌گذاری کرد که هر ساله به‌صورت دقیق رعایت می‌شود. این چرخه مدیریتی منطبق با شرایط اقلیمی، توپوگرافی و زیست‌محیطی منطقه بوده و نتیجه تجربه نیاکان آنها می‌باشد که نسل به نسل و سینه به سینه به عشایر کنونی رسیده است و از این جهت بسیار حائز اهمیت می‌باشد. البته در این قسمت ذکر این نکته حائز اهمیت است که تاریخ‌های ذکر شده در شکل (۲) ممکن است در هر سال تحت تأثیر شرایط آب و هوایی تغییرات اندکی داشته باشند.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]



شکل ۲- چرخه مدیریت دام عشایر محمدی سلیمانی

بحث و نتیجه‌گیری

دانش سنتی و بومی بهره‌برداران مراتع میراث ملی گرانقدری محسوب می‌شود که برای برنامه‌های مدیریتی و توسعه اجتماعی، فرصت‌هایی را فراهم می‌کند و به شناسایی، اولویت‌بندی و سامان‌دهی منابع محلی کمک می‌نماید. معرفی این دانش سنتی در بین اقشار جامعه باعث رویکرد مثبت نسبت به شغل شبانی شده و می‌تواند استحکام ساختار اجتماعی را در میان بهربرداران تقویت کند.

بطورکلی براساس یافته‌های این پژوهش اکثر بهره‌برداران منطقه از نظر میزان دانش بومی و تجربه شغلی در سطح بالایی قرار دارند. نتایج جمع‌بندی اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان داد بهره‌برداران مراتع به‌راحتی می‌توانند تقسیم مکانی پراکنش دام، محل‌های تأمین آب شرب گله و مسیر حرکت گله را به‌خوبی تعیین نمایند که با نتایج مطالعات بارانی (۱۳۸۲) و اوکرا (۲۰۱۲) نیز مطابقت دارد. آنها همچنین می‌توانند با اجرای سیستم‌های چرایی سنتی مانند چرا در شب، چرای تناوبی، مدت توقف دام، چگونگی حفاظت از گله و قرق قسمت‌های مختلف مرتع ضمن حفاظت مراتع از تمام قسمت‌های یک محدوده عرفی به‌صورت یکنواخت استفاده نمایند. این بخش از نتایج با مطالعات حیدری و سعیدی گراغانی (۱۳۹۰) و کاوانا و همکاران (۲۰۰۵) که بیان می‌دارند شبانان زمان و مکان چرای دام را در عرصه چراگاه متناسب با اقتضائات محیطی و انسانی تنظیم می‌کند و فنونی را برای حفاظت از دام و علوفه، هدایت گله و تنظیم ترکیب و تولید گله به‌کار می‌بندند مطابقت دارد.

تنوع ترکیب گله، جدا کردن گله‌های دام و تعدیل تعداد دام همگی به‌منظور بهره‌برداری بهینه از مرتع انجام می‌شود. از آنجا که هر کدام از انواع دام دارای ویژگی و سازگاری خاصی هستند، تنوع ترکیب گله موجب استفادهٔ حداکثر از علوفهٔ مرتعی می‌شود، به‌علاوه این ترکیب متنوع موجب کاهش خطر ناشی از بیماری‌ها و خشکسالی و مانند آن می‌شود. ترکیب گله‌های بهره‌برداران منطقه موردمطالعه نشانه اشراف بر رفتار تغذیه‌ای و میزان تحرک و نیز توجه به شرایط توپوگرافی منطقه است. این بخش از نتایج با مطالعات قربانی (۱۳۹۱)، یوسفی و عبادی (۱۳۹۱) طهماسب (۱۳۹۱) که بیان می‌دارند گله‌داران به‌خوبی از فواید تنوع ترکیب گله آگاهی دارند و نشان دهنده دانش بومی غنی آنها در این زمینه است مطابقت دارد.

احتیاج غذایی گوسفندان مادر در مراحل قبل و بعد از جفتگیری، در طول مدت بارداری و در زمان شیردهی بسیار متفاوت است، بنابراین باروری زیاد و راندمان پرورشی مطلوب ایجاب می‌کند که گوسفندان مادر در هر یک از

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]
[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

مراحل متناسب با نیاز به‌طور کامل تغذیه شوند. این نکته بر دامدارانی که خود و پدارنشان تجربهٔ تعاملی دیرین با دام را دارند پوشیده نیست از این روست که با آنچه در اختیار دارند سعی در تغذیه بهتر دام در چنین موقعیت‌هایی دارند. باروری گوسفند مادر به‌وسیله چگونگی تغذیه قبل از جفتگیری شدیداً تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این بخش از نتایج با مطالعات پاپ‌زن و افشارزاده (۱۳۸۹) و فرناندز گیمنز و سوئیفت (۲۰۰۳) که بیان می‌دارند تغذیه اضافی هدفدار قبل از جفتگیری و شرایط پرورشی مناسب (وزن زنده) می‌تواند موجب رهایی تعداد بیشتری تخمک و در نتیجه افزایش درصد دوقلوزایی شود و این تعلیف اضافی باعث می‌شود، فحلی بعد از شیردهی سریع‌تر و با شدت بیشتری ظاهر شود مطابقت دارد.

الگوی زیست کوچندگی حاصل انطباق با شرایط اقلیمی سرزمین‌های خشک و سکونتگاه‌های عشایری حاصل انطباق با شرایط کوچندگی است. عشایر به تبع نوع زندگی و ضرورت‌های زیستی، سکونتگاه‌هایی با مشخصات ویژه دارند که در همسازی کامل با شرایط حاکم بر زندگیشان است. در منطقه موردمطالعه از سه نوع سکونتگاه به نام‌های کپر (ساخته شده از سنگ، گل و چوب)، کوار (ساخته شده از چوب) و سیاه‌چادر (ساخته شده از کرک و موی بز) استفاده می‌شود. این سکونتگاه‌ها همگی با مصالح محلی و به‌صورت دست‌ساز توسط خود عشایر بنا شده‌اند. به همین منظور این سکونتگاه‌ها همسو با طبیعت بوده و باعث تخریب خاک و محیط زیست نمی‌شوند. این سازه‌ها به‌دلیل سادگی و هزینه کم ساخت، تعمیرات و نگهداری و حتی قابل حمل بودن (سیاه چادر) کاملاً سازگار با شیوه زندگی عشایری هستند. این بخش از تحقیق با مطالعات پاپ‌زن و افشارزاده (۱۳۸۹) و شاه‌حسینی (۱۳۸۴) که بیان می‌دارند سازه‌های سنتی سکونتگاهی عشایر چهارفصل است که با اندک تغییرات، خود با تغییرات فصول هماهنگ می‌گردند و در آن علاوه بر رعایت شرایط لازم برای زندگی، به جنبه‌های هنری نیز توجه شده است همسو می‌باشد.

امروزه شناسایی دام‌ها در دامداری‌های بزرگ از طریق پلاک‌زنی به گوش دام‌ها، که در حکم کارت شناسایی آنهاست، صورت می‌گیرد. این شیوه وضعیت هر دام را از نظر نژاد، ظرفیت تولید، بیماری و مانند آن مشخص می‌کند. عشایر نیز در جایگاه بدیهی پرورش‌دهندگان دام، برای شناسایی دام‌های خود، به‌گونه‌ای دور از انتظار، سازوکارهایی دارند که امکان شناسایی دام را برای آنها میسر می‌سازد. ایل محمدی سلیمانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده بلکه در طول سالیان دراز، سازوکارهای را بدین منظور تدارک دیده و با بهره‌گیری از همین سازوکارهای به ظاهر ساده، ضرورت شناسایی دام‌ها در طول قرن‌های متمادی برطرف شده است. انواع روش‌های نشانه‌گذاری و شناسایی دام در منطقه اسفندقه عبارتند از رنگ کردن، دروش کردن (بریدن گوش)، داغ کردن و شناسایی طبیعی. اینگونه فرهنگ و رفتار در طی قرن‌ها از نزاع و سوءتفاهمات جلوگیری کرده و مدیریت گله‌ها را برای بومیان آسان‌تر می‌نماید. بر اساس مطالعات قربانی (۱۳۹۱)، طهماسب (۱۳۹۱) و شاه‌حسینی (۱۳۸۴) شناسایی دام نزد سایر ایلات و عشایر کشورمان نیز کمابیش به همین صورت انجام می‌پذیرد.

در منطقه موردمطالعه قطعه‌بندی مرتع و حرکت دادن گله بوسیله شبانان و در نتیجه استفاده از مناطق مختلف چرایی باعث دسترسی به کلیه علوفه موجود در مرتع شده و همچنین باعث چرای یکنواخت می‌شود. بنابراین قطعه‌بندی مرتع و رعایت فصل مناسب چرا و حرکت دادن دام به قسمت‌های مختلف مرتع برای حفظ معیشت پایدار گله‌داران امری ضروری بوده که آنان این امر را به تجربه آموخته‌اند. این دانش برای تعدادی از عشایر و دامداران سایر نقاط کشور نیز توسط قربانی و همکاران (۲۰۱۳) و یوسفی و عبادی (۱۳۹۱) گزارش شده است.

به‌نظر می‌رسد زمان آن رسیده تجارب زمان آزموده مردم محلی را از طریق مدیریت مشارکتی به خدمت بگیریم، چرا که برای دستیابی به اهداف توسعه بوم‌شناختی، بویژه در محیط‌هایی با پیچیدگی شرایط بوم‌شناسی قلمروهای عشایری، ارتباط با عشایر که به واسطه گردش سالانه‌شان دارای شناخت کاملی از شرایط زیست‌بومشان هستند، ما را با دنیایی از دانش آشنا خواهد کرد. بهره‌بردارانی که توانمندی تولید اقتصادی پایدار از

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]

اراضی مرتعی را دارد و در صورت تطابق با شرایط زندگی جدید، و احیای نهادهای سنتی و بهره‌گیری از دانش غنی آنها در زمینه دامداری و مدیریت مرتع می‌توان موارد مطلوب را جهت بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی توسعه داد. مهمتر اینکه، این سیستم و پایداری مرتبط با آن به روشنی بهترین گزینه برای توسعهٔ پایدار را نشان می‌دهد.

References

1. Afsharzadeh, N., & A.H. Papzan, 2011. Indigenous knowledge of animal nutrition Kalhor tribe's nomads. Journal of Rangeland, 5(3): 322-333.
2. Barani, H., A.A. Mehrabi, M.R. Moghadam, & M. Farhadi, 2003. Investigation of spatial and time pattern of grazing on eastern of Alborz. Iranian journal of Natural Resource, 56(1, 2): 117-130. (In Persian)
3. Borhani, M., 2013. Evaluation of range management plans, technical and ecological aspects of rangeland Semirom Isfahan Province. Thesis range management, Tehran University. (In Persian)
4. Chandrasekhar, K., K.S. Rao, R.K. Maikhuri, & K.G. Saxena, 2006. Ecological implications of traditional livestock husbandry associated land use practices: A case study Himalaya, India. Environments. Volume, April 2007, 299-314.
5. Fernandez-Gimenez Maria, E., & M. David Swift, 2003. Strategies for sustainable grazing management in the developing world. The 7th International Rangeland Congress, 123-129.
6. Ghorbani, M., 2012. The role of social networks in range exploitation mechanisms (Case Study: Taleghan), PhD thesis, Department of Natural Resources, Tehran University. (In Persian)
7. Ghorbani, M., H. Azarnivand, A.A. Mehrabi, H. Nayebi, & K. Seeland, 2013. The Role of Indigenous Ecological Knowledge in Managing Rangelands Sustainably in Northern Iran. Ecology and Society Journal, 18(2): 1-15.
8. Golzari, A., & S.M. Mirdamadi, 2010. Indigenous knowledge in a practical approach to sustainable development, Journal of Agriculture and Natural Resources, 8 (30): 28-32. (In Persian)
9. Grenier, L., 1988.Working wich indigenous knowledge, Aguide for researcher. 50P.
10. Heydari, Qh., & H.R. Goraghani Saeedi, 2011. Introduction to exploitation of native grasslands in the ecotourism industry (Case Study: the usual summer pastures larijan). Proceedings of the First International Conference on Sustainable Development in Tourism Management and Shiraz, 154-162. (In Persian)
11. Kavana, P.Y., J.B. Kizima, & Y.N. Msanga, 2005. Evaluation of grazing pattern and sustainability of feed resources in pastoral areas of Eastern zone of Tanzania, livestock research center. Livestock Research for Rural Development, 17 (1): 226-234.
12. Lorry Jafarabadi, A., 2012. Evaluation of Esfandaqeh villages, rural geography of the seminar course, martyr Bahonar University, 43. (In Persian)
13. Okereke, E., 2012. Indigenous knowledge system, the need for reform and the way forward global advanced reaserch, journal of Agricultural science. 1(8): 201-209.
14. Papzan, A., & N. Afsharzadeh, 2010. Identification of indigenous knowledge, reproduction and animal among women nomads Kalhor tribe. Rural Development Quarterly, 13 (4): 180-161. (In Persian)
15. Papzan, A., and N. Afsharzadeh, 2011. Native mechanisms in range management of Kalhor tribe's nomads, Iranian journal of Range and Desert Reseach, 17(3): 476-488. (In Persian)
16. Seyedi, M.S., 2012. The investigation of the knowledge of pastures grazed pastures in the preservation and restoration. Third National Conference on Sustainable Development desertness deal with the Iranian desert. September. Arak. 384-379. (In Persian)
17. Shah Hosseini, R., 2005. Sangsari nomadic tribes, of the desert coast to the heights of the Alborz, publisher garden ideas, printing. 296 pp. (In Persian)
18. Shah Vali, M., & M. Ardakani, 2006. Principles, concepts and knowledge of indigenous agriculture. Tehran, Ministry of Agriculture, Research and rural issues. (In Persian)
19. Tahmasb, R., 2012. Investigation the effect of traditional methods for exploitation and management of rangelands (case study: pastures nomadic tribes of Fars six blocks), Master Thesis, University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Surrey. 121 pp. (In Persian)
20. Yosefi, & M. Ebadi, 2012. Evaluation of traditional management and husbandry flocks on half-dried region in Iran (village Khvravnd city Khomeini). Third National Conference desertness. Arak. September. 37-31. (In Persian)

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-07]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1395.10.1.9.9]